

بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری - وهابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۸

تاریخ تأیید: ۹۳/۱۲/۱۷

مهدی بخشی شیخ احمد *

بهنام بهاری **

پیمان وهاب پور ***

دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، نام گروهی از اسلام‌گرایان سنی‌مذهب (وهابی) تروریستی است که رهبر آن ابوبکر البغدادی خود را خلیفه مسلمانان جهان اعلام کرده و داعیه رهبری مذهبی همه مسلمانان را دارد. این گروه که بخش‌هایی از عراق و سوریه را تحت کنترل خود دارد، ابتدا در سوریه تشکیل شده و سپس دامنه حرکت خود را به سمت کشور عراق گسترش داد. بررسی اقدامات، اعلامیه‌ها و سخنرانی رهبران این گروه تکفیری - وهابی نشان می‌دهد این گروه از سویی وهابی است و از سوی دیگر به شدت افراطی می‌باشد. در واقع، داعش بازگرداندن وهابیت محافظه‌کار سعودی به همان مسیر خشن و افراطی قدیمی است؛ ایدئولوژی آنها وهابیت تجدید حیات یافته می‌باشد. تأکید بر احیای خلافت و استقرار آن در جهان اسلام، استفاده از تکفیر در حد گسترده و اعلام جهاد علیه سایر مسلمانان، ویژگی بارز ایدئولوژی این گروه می‌باشد.

کلید واژگان: وهابیت، خلافت، جهاد، داعش.

* کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام از دانشگاه علامه طباطبائی (ره).

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.

*** دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی (ره).



۱. مقدمه: تاریخچه شکل‌گیری داعش

دولت اسلامی، دولت اسلامی عراق و سوریه یا دولت اسلامی عراق و شام، نام گروهی از اسلام‌گرایان سنی مذهب (وهابی) تروریستی است که رهبر آن ابوبکر البغدادی خود را خلیفه مسلمانان جهان اعلام کرده و داعیه رهبری مذهبی همه مسلمانان را دارد. این گروه که ابتدا در سوریه تشکیل شده و به عراق کشیده شدند، خواستار حکومت بر کل منطقه عراق و شام (شامل اردن، فلسطین اشغالی، لبنان، قبرس و بخشی از جنوب ترکیه) اند. این گروه بخش‌هایی از عراق و سوریه را در کنترل خود دارد و برآورد شده است که حدود پنجاه هزار نفر در سوریه و سی هزار نفر در عراق عضو این گروه‌اند (Withnall, 2014: BBC News 30 June). دولت اسلامی عراق و شام، نه دولت است و نه اسلامی، بلکه گروه تکفیری-وهابی مرموز و پیچیده‌ای است که تا به حال وجود خارجی نداشته است و باید از نظر ایدئولوژی و ساختار بررسی گردد. در واقع یکی از راه‌های مقابله با گروه تروریستی داعش تشریح فرقه وهابیت و مقابله با آن از طریق بیان اسلام راستین مبتنی بر صلح دوستی است و این وظیفه همه مسلمانان جهان می‌باشد.

سابقه تشکیل این گروه تکفیری-وهابی به سال ۲۰۰۴ میلادی با نام «جماعة التوحید و الجهاد» بر می‌گردد. رهبر گروه، ابومعصب الزرقاوی بود و به سازمان القاعده عراق نیز معروف بودند. در ژانویه سال ۲۰۰۶ القاعده عراق گروه‌های تروریستی کوچک را تحت حمایت خود در آورد و شورای مجاهدین را به وجود آورد. بعد از کشته‌شدن الزرقاوی در ژوئن ۲۰۰۶، شورا ضمن جذب چهار گروه دیگر از گروه‌های جهادی سنی‌مذهب هم‌صدا با قبایل عرب عراقی اعلام کرد که هدف آزادکردن عراق از دست شیعیان و اشغال‌گران خارجی و بازگرداندن اسلام به دوران طلایی خود می‌باشد. در سال ۲۰۰۶ رهبری گروه به دست ابوعمر البغدادی افتاد و وی دولت اسلامی عراق را تأسیس کرد. علیرغم تأکیدات ایمن الزواهری، رهبر القاعده بعد از مرگ بن‌لادن، بر اتحاد گروه‌های مختلف عراق و تحت لوای القاعده گروه دولت اسلامی عراق به سمت استقلال پیش رفت و در سال ۲۰۱۳ دولت اسلامی عراق و شام به رهبری ابوبکر البغدادی که در سال ۲۰۱۰ بعد از مرگ ابوعمر رهبری گروه را بر عهده گرفته بود، به وجود آمد (Zelin, 2014, p.3-4) (جدول شماره ۱).

اقدام ابوبکر بغدادی در تأسیس دولت اسلامی عراق و شام و ادعای مالکیت سوریه در

سال ۲۰۱۳، منجر به جدایی و درنهایت دشمنی گروه داعش و سازمان القاعده عراق شد. درنهایت در ۲ فوریه ۲۰۱۴ گروه رهبری القاعده طی بیانیه‌ای اعلام کرد که داعش شاخه‌ای از القاعده نمی‌باشد و این سازمان هیچ مسئولیتی را در قبال اقدامات این گروه بر عهده نمی‌گیرد (*Al-Qaeda's General Command, 2014*). بغدادی پرده از رازی برداشت که به موجب آن گروه جبهه‌النصره در سوریه با داعش ادغام شد و همکاری نزدیکی با این گروه دارد (*Al-Baghdadi, 2013*). جبهه‌النصره یکی از گروه‌های تروریستی علیه دولت بشار اسد به شمار می‌رود که موفقیت‌های بیشتری را نسبت به سایر گروه‌های تکفیری - تروریستی در سوریه به دست آورده است و بر همین اساس بغدادی به سمت اتحاد با آنها رفت.

تأسیس دولت اسلامی عراق و شام باعث شد این گروه برای به‌دست‌آوردن قلمروی تحت حاکمیت خود دست به اقداماتی در استان الأنبار بزند. بعد از فراهم شدن منطقه‌ای برای اعمال حاکمیت تفاسیر کوتاه‌بینانه اینان از شریعت و مجازات‌هایی که بر همین اساس میان مردم اعمال می‌کردند، به فاجعه‌ای برای آنها تبدیل و باعث شد سایر گروه‌های سنی‌مذهب عکس‌العمل‌هایی از خود نشان دهند. در نتیجه چنین اقداماتی دولت اسلامی عراق بخشی از حمایت‌های خود را از دست داد و درنهایت جنبشی به نام «بیداری» در بین گروه‌های سنی‌مذهب به وجود آمد. اما نکته‌ای دربارهٔ محبوبیت بغدادی در مقایسه با رهبران القاعده وجود دارد که باید به آن اشاره کرد و آن این است که از نظر اعضای گروه‌های تکفیری و سلفی عضو این گروه و افراد تازه وارد به آن، بغدادی برعکس سایر رهبران گروه‌های تکفیری مانند ایمن الزواهری اقدامات عملی انجام داده و علاوه بر مقابله با به اصطلاح کافران دست به تأسیس خلافت زده است^۱ (*Lister, 2014*).

جدول شماره ۱: تاریخچه اسامی داعش

سال‌های مورد استفاده	نام گروه
۱۹۹۹-۲۰۰۴	جماعت التوحید و الجهاد (JTWJ)
۲۰۰۴-۲۰۰۶	القاعده عراق (AQI)
۲۰۰۶	مجلس شورای مجاهدین (MSM)
۲۰۰۶-۲۰۱۳	دولت اسلامی عراق (ISI)
۲۰۱۳- تاکنون	دولت اسلامی عراق و شام (داعش) (ISIS)

۲. داعش و وهابیت

وهابیت مادر جریان‌های افراطی نوسلفی‌گری محسوب می‌شود. تفکر آنها توأم با خشونت، جزمیت و قشری‌گری دینی است، در برابر گروه‌های دیگر مسلمان و غیرمسلمان کم تحمل‌اند و به تقسیم‌بندی پررنگی بین کافر و مؤمن یا کافر حربی و کافر ذمی قایل می‌باشند. فهم داعش بدون شناخت فرقه وهابیت و پیشینه آن امکان‌پذیر نیست. از نظر ایدئولوژیک و ریشه‌های فکری وهابیت را نمی‌توان از گروه تکفیری وهابی داعش جدا کرد. در واقع اقدامات این گروه، نشئت گرفته از تفکرات محمدبن عبدالوهاب بنیانگذار فرقه وهابیت است^۱ (Crooke, 2014a)؛ که در ادامه نیم‌نگاهی به آن می‌کنیم.

۱-۲. ایدئولوژی وهابیت

وهابیت جنبش اصلاح‌طلبی است که محمدبن عبدالوهاب^۲ (۱۱۱۵-۱۲۰۱ ق) در قرن هجدهم میلادی به وجود آورد. وی اعتقاد داشت بعد از قرن سوم قمری اسلام تحریف شده و باید از خرافات زدوده شود. بعد از اتحاد محمدبن سعود و محمدبن عبدالوهاب، ابن-سعود لقب امام را برگزید و رئیس سیاسی-نظامی قبیله شد و عبدالوهاب عنوان شیخ را انتخاب کرد و ایدئولوژی مذهبی پاک‌دینی را ارائه داد. حکومت سعودی در اوایل قرن نوزدهم با تصرف مکه و مدینه به سرعت گسترش یافت. اما اندکی بعد ابراهیم پاشا فرزند محمدعلی در سال ۱۸۱۸ میلادی آن را در هم کوبید. در اواخر قرن نوزدهم، قدرت سعودی

۱. نویسنده این مطلب مأمور سابق سازمان جاسوسی انگلستان (MI6) می‌باشد.

۲. برای بررسی زندگی محمدبن عبدالوهاب ر.ک: Schwarts, 2002, p66-67



بار دیگر در نجد ظاهر شد؛ اما اندکی بعد در سال ۱۸۹۱ میلادی از سلسله ابن‌رشید شکست خورد. ده سال بعد عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل سعود از کویت به عربستان بازگشت و جنگجویان اخوان^۱ را با استفاده از مردان قبایل مطیر، تحبیه، حرب و عجمان سازماندهی کرد. عبدالعزیز بین سال‌های ۱۹۱۲ و ۱۹۲۵ با استفاده از اخوان اغلب مناطق شبه‌جزیره عربستان را تحت سیطره خود در آورد. وی در نهایت در سال ۱۹۳۲ با پیروزی بر اغلب دشمنان خود پادشاهی واحد سعودی را بنیانگذاری کرد^۲ (دکمجیان، ۱۳۷۷، ۲۴۴-۲۴۵).

تمامی محققانی که در این زمینه مطالعه کرده‌اند در بررسی ریشه‌های فکری وهابیت متفق‌القول‌اند که محمد بن عبدالوهاب مبتکر و به‌وجودآورنده عقاید وهابیان نیست؛ بلکه قرن‌ها قبل از وی این عقاید یا قسمتی از آنها را اشخاصی گوناگون و به صورت‌های مختلف بیان کرده‌اند؛ از جمله در قرن چهارم قمری عالم معروف حنبلی برپهاری زیارت قبور را منع کرد. دیگری عبدالله بن محمد عکبری معروف به ابن‌بطه بود که زیارت و شفاعت پیغمبر را انکار کرد. وی معتقد بود سفر برای زیارت قبر پیامبر معصیت است و کسی که به این سفر می‌رود باید نمازش را تمام بخواند (فقیهی، ۱۳۶۶، ص ۱۷-۱۸).
Burke, 2003, p 29. شخص دیگری که محمد بن عبدالوهاب اهم عقاید خود را از او اقتباس کرده است، ابن تیمیه از علمای بزرگ حنبلی در قرن هفتم و هشتم قمری می‌باشد (فقیهی، ۱۳۶۶، ص ۱۷-۱۸). بزرگان و نویسندگان فرقه وهابی نیز به این امر اعتراف کرده‌اند. سلطان عبدالعزیز بن سعود در ضمن نامه‌ای که در تاریخ ذی‌قعدة سال ۱۳۳۲ قمری به فرقه اخوان نوشت، یادآور شده است که محمد بن عبدالوهاب به همان اموری دعوت کرد که ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم به آن دعوت کرده بودند (همان، ص ۱۲۹). از سوی دیگر شباهت‌های زیادی نیز بین عقاید وهابیان و خوارج^۳ وجود دارد. علامه سید محسن الامین شباهت‌های موجود بین وهابیان و خوارج را ذکر کرده‌اند که که قطعاً همه موارد با عملکرد

۱. گروهی اسلام‌گرا در شبه‌جزیره عربستان که بعد از کمک به آل سعود برای تأسیس سلطنت سعودی در دهه ۱۹۲۰ دست به شورش زدند و در نهایت به دست آل سعود نابود شدند (Safran, 1985).
۲. برای بررسی نحوه گسترش وهابیت در شبه‌جزیره عربستان و خارج از آن ر.ک: (Fattah, 2003).
۳. خوارج گروهی بودند که در اعتراض به صلح حضرت علی علیه السلام با معاویه به مخالفت با او برخاستند. آنها برای تحمیل عقاید خود دست به اعمال خشونت‌آمیز علیه مسلمانان و غیرمسلمانان زدند. برای بررسی جامع ایدئولوژی خوارج ر.ک: (معدلی، ۱۳۵۴).



گروه تکفیری-وهابی داعش مطابقت دارد (الأمین، ۱۳۷۶، ص ۷۹-۹۰):

۱. شعار خوارج «لا حکم الا لله» بود که وهابی‌ها نیز چنین نظری دارند و معتقدند توسل و شفاعت جستن و استغاثه مختص به خداست و نباید با خواندن کسی که خداوند او را بزرگ کرده، ما نیز او را بزرگ کنیم. به نظر وهابی‌ها توسل و شفاعت و یاری خواستن از اشخاص بدعت بوده و گناه است.

۲. هر دو گروه تعصب زیادی در ظاهر دین از خود نشان می‌دهند.

۳. از نظر هر دو گروه بقیه مسلمانان کافرند و جان، مال و اسیرکردن فرزندان آنان حلال می‌باشد.

۴. هر دو گروه به برخی از آیات که به کافر مرتکب گناه کبیره دلالت دارد، تمسک می‌جویند.

۵. هیچ کدام از اعضای دو گروه ترسی از مرگ ندارند و اعتقاد دارند به بهشت می‌روند.

۶. طرفداران هر دو گروه مردمانی قشری و کوتاه‌نظرند.

۷. هر دو گروه آیه‌هایی را که راجع به کفار و مشرکان وجود دارد، به مسلمانان و مؤمنان و شیعیان تعمیم می‌دهند.

۸. هر دو گروه مسلمانان را کشتند؛ ولی بت‌پرستان و مشرکان از شر آنها در امان ماندند.^۱

۹. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل است که «هرگاه شاخی از آنها قطع شود شاخی دیگر بروید و پدیدار گردد». این موضوع درباره هر دو گروه صادق است.^۲

بدون شک در بررسی ریشه‌های فرقه وهابیت هیچ کس را نمی‌توان یافت که به اندازه ابن تیمیه اهمیت داشته باشد. درواقع محمدبن عبدالوهاب جز برخی تندروی‌ها چیزی بر عقاید ابن تیمیه نیافزوده است. شخصی که گروه‌های تکفیری-وهابی از او

۱. دقیقاً کاری که داعش انجام می‌دهد و به لبنان حمله می‌کند و به رژیم اشغال‌گر قدس کاری

ندارد.

۲. پیدایش داعش پس از جولان وهابیت در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ میلادی را می‌توان در همین

راستا تفسیر کرد.

تأثیر پذیرفته‌اند، تقی‌الدین احمدبن تیمیه، فقیه محافظه‌کار قرن هفتم و هشتم قمری است (Algar, 2002, p 8-9 Jansen, 1997). وی در روزگاری می‌زیست که مغول‌ها قسمت اعظم سرزمین‌های اسلامی را به تصرف خود در آورده بودند و برخی از علما جهاد علیه آنها را جایز نمی‌دانستند؛ چراکه به زعم آنها پادشاه مغول به اسلام گرویده بود. اما ابن تیمیه برخلاف چنین نظری آنها را کافر می‌دانست. وی معتقد بود برخی از قوانین مغول وارد شریعت اسلام شده است؛ پس جهاد علیه مغول‌ها مشروعیت دارد (Schwartz, 2002, p 54-55).

ابن تیمیه در همه آثار خویش خود را پیرو سلف یعنی صحابه و تابعین و محدثان بزرگ قرون دوم و سوم قمری می‌داند. به عقیده او سلف قرآن و سنت را بهتر از مدعیان علم و متکلمان ادوار بعد درک کرده‌اند. استدلال او این بوده است که صحابه نزدیک‌ترین اشخاص به حضرت رسول بوده‌اند و قرآن به زبان ایشان و برای فهم ایشان نازل شده است. به نظر وی چگونه ممکن است خدا و رسول و صحابه او قول و اعتقاد درباره خدا را چنان که باید، استوار نکرده باشند؟ محال است اصحاب رسول الله در این باره چیزی ندانند و متأخران در این باره از سابقان و سلف داناتر باشند (ابن تیمیه، ۱۳۹۲ق، ص ۴۲۸-۴۲۹). مهم‌ترین عقاید او که بعدها اساس مذهب وهابیت را تشکیل دادند، عبارت‌اند از (فقیهی، ۱۳۶۶، ص ۱۱-۴۱):

۱. از نظر ابن تیمیه توحید دو نوع است: اولی الوهیت است که مسلمانان به آن جاهل-اند و غیر خدا را می‌پرستند. دومی ربوبیت است که اقرار به خالق بودن خداوند می‌باشد. وی معتقد است مشرکان نیز به نوع دوم توحید اعتراف می‌کنند. بنابراین موحد کسی است که هرچه می‌خواهد مستقیماً از خدا بخواهد و هیچ‌کس را وسیله، واسطه و شفیع قرار ندهد و به هیچ عنوان به غیر خدا توجه نکند.
۲. ابن تیمیه دایره شرک و کفر را وسعت داد.
۳. وی معتقد به رؤیت خداوند بود و برای خدا اثبات جهت می‌کرد.
۴. معتقد بود ذات احدیت به آسمان دنیا فرود می‌آید.
۵. بر این باور بود که عصمت انبیا قبل از امامت لازم نیست.
۶. نوحه و نوحه‌گری بر مردگان را منع می‌کرد و از گناهان کبیره می‌دانست.
۷. معتقد بود ساختمان‌های اطراف قبور را باید ویران کرد.



بررسی عقاید محمدبن عبدالوهاب نشان می‌دهد وی در قلمرو نظری چیزی به عقاید ابن تیمیه نیفزوده است؛ بلکه آنها را عملی کرده و درنهایت افراط‌کاری‌هایی به آن افزوده است (همان، ص ۱۳۵-۱۸۳. الامین، ۱۳۷۶ ص ۱۴۳-۲۲۶):

۱. وهابیان تنها به دعوت اکتفا نکردند. با مخالفان خود با شمشیر رویاروی می‌شدند و آن را امر به معروف و نهی از منکر قلمداد می‌کردند و مبارزه با بدعت می‌نامیدند.
۲. تمام ضریح‌ها، زیارتگاه‌ها، مساجد ضریح‌دار و قبور مشخص علامت‌دار را ویران نمودند.

۳. مصداق بدعت را گسترش دادند و هر چیزی مثل قهوه و سیگار را که در زمان پیامبر نبود، بدعت نامیدند.

۴. دامنه تکفیر مسلمانان را گسترش دادند. به نظر آنها مشرکان زمان حاضر (مسلمانان) از مشرکان عصر جاهلیت بدترند؛ در عصر جاهلیت مشرکان در وقت آسایش شرک می‌ورزیدند و در سختی‌ها به خداوند روی می‌آوردند، اما امروز مشرکان هم در آسایش و هم در تنگناها شرک می‌ورزند.

بدین‌سان وهابی‌های عربستان سعودی اولین گروهی بودند که در دوران معاصر همانند خوارج مفهوم تکفیر را هم برای مسلمانان و هم برای غیرمسلمانان به کار می‌بردند. بعد از مقبولیت عقاید وهابیت توسط آل سعود و استقرار آن در شبه‌جزیره عربستان، توجه چندانی به آرای این مذهب نشد تا اینکه از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد اتفاقاتی افتاد که این مذهب به یکباره در نقاط مختلف جهان اسلام منتشر شد. اولین دلیل گسترش مذهب وهابیت مرگ جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر، و ازبین‌رفتن کاریزمای او و در عین حال افول اندیشه‌هایی مانند پان‌عربیسم و ناسیونالیسم عربی است. دلیل بعدی موفقیت فیصل سعودی در سال ۱۹۷۳ در تحریم نفتی علیه غرب بود. افزایش خارق‌العاده درآمدهای نفتی نیز یکی دیگر از این عوامل بود؛ چراکه عربستان سعودی بیش از یک‌چهارم نفت جهان را صادر می‌کرد. (Olivetti, 2002, p. 18). مجمع جهانی مسلمانان^۱ نیز در گسترش وهابیت نقش فعالی ایفا کرد. در سال ۱۹۶۲، دولت عربستان سعودی این سازمان را که اولین و تأثیرگذارترین مؤسسه زنجیره‌ای غیردولتی بود، برای گسترش «اسلام وهابیزه‌شده» در سراسر دنیا و برای مقابله با رژیم ناصر به وجود آورد.

1 . Muslim World League.

نحوه عملکرد این سازمان به سه شکل بود: اول اینکه مبلغان مذهبی را به سراسر دنیای اسلام می‌فرستاد؛ دوم اینکه عقاید ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب، ایدئولوژیست‌های اصلی رژیم سعودی را پخش می‌کرد؛ بالاتر اینکه به تأسیس مساجد و مؤسسات اسلامی کمک مالی می‌کرد (Kepel, 2002, p. 52. Roy, 1994, 116).

اما مهم‌ترین و آخرین عاملی که باعث شد وهابیت گسترش زیادی داشته باشد، در سال ۱۹۷۹ اتفاق افتاد؛ سالی که در تهران و با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد و با اشغال افغانستان به دست شوروی پایان یافت و برای عربستان سعودی و ایالات متحده فراخوانی شد تا به جهاد افغانی کمک کنند. کمک‌های این دو کشور از دالان پاکستان تحت حکومت ژنرال ضیاءالحق که ستایشگر مودودی بود، صورت می‌گرفت (Kepel, 2002, p. 62). در واقع آمریکا، عربستان سعودی و پاکستان یک اتحاد غیررسمی برای سرکوب هر دو تهدید به وجود آوردند. هدف این اتحاد رواج اندیشه وهابی و ایجاد یک اتحاد بین‌المللی برای مبارزه با شوروی و ایران شیعه بود (Olivetti, 2002, p. 19. Roy, 1994, 135).

۳. ایدئولوژی و ساختار داعش

همانند القاعده و اکثر گروه‌های تکفیری-وهابی، ایدئولوژی داعش نیز به شدت متأثر از فرقه وهابیت می‌باشد. این گروه تروریستی-وهابی را می‌توان نوسلفی نامید. «نوسلفی‌ها، سلفی‌های جهادی‌اند که ظهور و بروز آنها عمدتاً به دهه هشتاد میلادی قرن بیستم برمی‌گردد. اگر بتوان به لحاظ تاریخی و ایدئولوژیکی نقطه معینی برای این جریان مشخص کرد باید به «سید قطب» بازگشت. او عضو اخوان المسلمین و تحت تأثیر ابوالاعلی مودودی (متفکر پاکستانی) بود که ایده تأسیس حکومت اسلامی را مطرح کرده بود. بعد از کودتای افسران آزاد در مصر و تضادی که میان جمال عبدالناصر و افسران آزاد با اخوان المسلمین پیش آمد، سرکوب اخوانی‌ها آغاز شد. در این میان جریانی افراطی و جهادی شکل گرفت که نظریه‌پرداز اصلی آن «سید قطب» بود. این جریان در مصر و در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ متفکران خاص خود را نیز پیدا کرد؛ افرادی همچون صالح سریه که در سال ۱۹۷۳ رساله‌الایمان را نوشت و محمد عبدالسلام فرج که در سال ۱۹۸۰ «رساله الفریضة الغائبه» را در ادامه آثار سید قطب نوشت. این جریان به تدریج در مصر به عنوان جریانی تندرو از اخوان جدا شد و «جماعة الجهاد» و سازمان «التکفیر و الهجره» را



به وجود آورد. از سوی دیگر پدیده اسراییل در کنار دیکتاتورهای نظامی در جهان عرب و انسداد هرگونه فعالیت سیاسی برای این گروه‌های اسلامی باعث شد آنها مشی ترور در پیش بگیرند که ترور «انور سادات» توسط خالد اسلامبولی از نمونه‌های اولیه آن بود. در همین حال حمله شوروی به افغانستان این کشور را به بوته آزمایشی برای تمام جریان‌های نوسلفی بدل کرد؛ جریان‌هایی که برای جهاد با کفار روانه آنجا شدند. پس از مبارزات جهادی در افغانستان و شکل‌گیری نیروهای نوسلفی اعم از «طالبان» و «القاعده» و به دنبال آن حمله ۱۹۹۱ آمریکا به عراق و سپس همدستی عربستان و کویت با آمریکا علیه صدام حسین، جریاناتی به وجود آمد که علاوه بر مبارزات ضدآمریکایی و ضدشوروی به سمت مبارزه با حکومت‌های کشورهای مسلمان پیش رفت. حوادث ۱۱ سپتامبر، اتفاقات بوسنی و هرزگوین، چچن، قفقاز، تاجیکستان، جبهه مورو در میندانائوی فیلیپین، حوادث شمال آفریقا و سایر بحران‌های جهان اسلام نیز به رشد جریان‌های نوسلفی دامن زد» (آقاجری، ۱۳۹۳). سنت‌های فکری و ایدئولوژیک این گروه‌ها در وهله اول وامدار احمدبن حنبل، ابن تیمیه و عبدالوهاب است و در دوره معاصر وامدار سیدقطب، عبدالسلام فرج و دیگران.

۱-۳. ایدئولوژی داعش

بررسی اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها و عملکرد گروه تکفیری - وهابی داعش نشان می‌دهد تأکید بر احیای خلافت، تکفیر و جهاد ارکان اصلی ایدئولوژی این گروه می‌باشد.

۱-۳-۱. خلافت

به دنبال فروپاشی امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری ترکیه فعلی و برچیده شدن خلافت پس از جنگ جهانی اول بسیاری از مسلمانان اهل سنت از عام و خاص به نوعی احساس بی‌نوابی و در به دری کردند و از فردای آن روز آرزوی برپایی دوباره خلافت اسلامی ذهن بسیاری از آنان را که نگران سرنوشت اسلام و امت اسلامی بودند، به خود مشغول کرد؛ از همین رو مسئله بازستانی خلافت غصب‌شده به دغدغه اصلی برخی از حرکت‌های اسلامی معاصر تبدیل شد. بدین سان جنبش اخوان المسلمین در مصر پا به عرصه گذاشت، جماعت تبلیغ و جماعت اسلامی در هندوستان سر بلند کرد، جماعت نور در ترکیه و پس از آن حزب التحریر اسلامی که به‌طور ویژه به مسئله خلافت توجه داشت و در راه احیای آن تلاش کرد، از نمونه‌های دیگر این جنبش‌ها بودند (الریسونی، ۱۳۹۳). در روزهای اخیر نیز مسئله خلافت بار دیگر به صحنه بازگشته است و برخی از جوانان مسلمان در جهان

رؤیای خلافت را در سر می‌پروراند؛ برخی از آنان بیعت کرده‌اند و برخی از دور تأیید کرده‌اند و برخی نیز منتظر رخدادهای بعدی می‌باشند.

به‌طور کلی در چند دهه اخیر دو رویکرد در پروژه اسلام‌گرایی افراطی وجود داشته است؛ یک رویکرد نظیر القاعده معتقد به ایجاد جامعه اسلامی (به زعم خود) از طریق نشانه‌گرفتن پشتیبانان بین‌المللی - غربی دولت‌های «غیراسلامی» در کشورهای مسلمان است و رویکرد دیگر که اتفاقاً قدیمی‌تر هم است، معتقد به ارجحیت متلاشی‌کردن نظام‌های سیاسی سکولار بومی در کشورهای مسلمان‌نشین است. اما این به معنای باور مدافعان این رویکرد به همزیستی مسالمت‌آمیز با غرب نبوده است؛ به عبارت دیگر هدف اصلی و نهایی داعش و القاعده و تمام جریان‌های افراطی بنیادگرای اسلامی ایجاد جامعه اسلامی است. اما در مورد القاعده فرض بر این است که برای تشکیل حکومت اسلامی لازم نیست از دولت دست‌نشانده سکولار این کشورها آغاز کرد و از آنجا که حامی اصلی این دولت‌ها غرب و آمریکا است پس باید مستقیماً از آنجا شروع کرد.^۱ این روش مسیری است که القاعده بعد از بازنگری در آرای «سید قطب» اجرا کرد (T Friedman, 2014). اما در مقابل، جریانی دیگر وجود دارد که معتقد است جامعه اسلامی مبتنی بر قوانین اسلام باید از داخل بنیان گیرد؛ یعنی از برانداختن دولت غیراسلامی دست‌نشانده. برنامه داعش استوار بر جریان دوم است؛ اما به نظر می‌رسد هدف حداقل میان‌مدت آنها بسط خلافت‌شان در کشورهایی است که مسلمانان برتری عددی دارند (متسین، ۱۳۹۳). در واقع یکی از تفاوت‌های اصلی داعش با القاعده در اولویت مبارزه آنهاست؛ برخلاف «القاعده» که مدعی ایجاد خلافت اسلامی نبود و اولویت مبارزه با کفار غیرمسلمان و آمریکا را در دستور کار داشت، هدف اصلی فوری و بلافصل «داعش» ادعای تأسیس خلافت خودخوانده اسلامی است.

هدف اعلام‌شده داعش بازسازی این «خلافت» با خلیفه‌ای است که عموماً باید جانشین حضرت محمد ﷺ باشد. اما منظور داعش از «خلافت» بسیار متفاوت‌تر از آن چیزی است که تاریخ در مورد قوانین اسلامی در سده‌های گذشته به ما گفته است. خلافت عباسی که در قرن هشتم میلادی تأسیس شد، دستاوردهای بسیاری در علوم و

۱. بن‌لادن معتقد بود که از بین‌بردن درخت (ایالات متحده آمریکا) باعث نابودی سایه‌اش (دولت -

های دست‌نشانده در کشورهای اسلامی) نیز خواهد شد (Bin Laden, 1996).



فلسفه داشت و در تاریخ از آن به عصر طلایی اسلام یاد می‌شود. داعش در ماه ژوئن بیانیه‌ای را منتشر کرد که طی آن مدعی بود اصل و نسب رهبرش، ابوبکر بغدادی مستقیم به پیامبر اسلام باز می‌گردد و از این طریق قصد داشت حقانیت خود برای برپایی این خلافت را ثابت کند. (Reuters, 29 Jun, 2014).

اجرای شریعت در نظر آنها - البته با قرائت ادعایی آنان - راه حل تمام مشکلات است. در واقع نص‌گرایی به دنبال رد هرگونه تأویل و عقل‌گرایی و نفی تمام مظاهر مدرنیته مثل دموکراسی است. «داعشی‌ها» دموکراسی را کفر می‌دانند؛ از این رو خلافت خودخوانده را نه برای کشوری خاص، بلکه برای تمام مسلمان جهان اعلام می‌کنند. از نظر آنها منازعه حاضر، منازعه امپریالیسم و استعمار با جهان توسعه‌نیافته نیست. درک و تصور آنها از استعمار فهمی پیشامدرن است. آنها جنگ امروز را همانند «جنگ صلیبی» می‌دانند (آقاجری، ۱۳۹۳).

احمد ال‌ریسونی، نایب‌رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان، ویژگی‌هایی را برای خلافت مورد نظر گروه تکفیری - وهابی داعش ذکر می‌کند. از نظر وی داعش می‌خواهد خلافتش را از راه فتنه و جنگ و در فضایی آکنده از ترس و ارعاب و از راه غلبه و اجبار بر دیگران تحمیل کند. خلافتی که این گروه ادعای ایجاد آن را دارد، «حتی یک‌هزارم مسلمانان و کشورهای اسلامی را هم زیر سلطه‌ی خود ندارد». علاوه بر این «از کجا معلوم می‌شود کسانی هم که زیر سلطه‌ی این تنظیم هستند آنان را قبول دارند و از حکومتش خشنودند؟» با توجه به ضرورت بیعت با خلیفه «معلوم نیست چه کسی با این خلیفه مورد ادعا بیعت و چه کسی وی را انتخاب کرده است؟ در میان امت اسلامی چه جایگاهی دارند؟ آنچه معلوم است تعدادی از یاران و حامیان این شخص با وی بیعت کرده‌اند؛ این شخص می‌تواند در مسائل خاص امیر آنان باشد» (ال‌ریسونی، ۱۳۹۳).

۲-۱-۳. تکفیر و جهاد

تکفیر گروه‌های دیگر از سوی داعش بدعت یا امر جدیدی نیست؛ چون پیشتر وهابی‌ها به تبعیت از ابن تیمیه در سطح گسترده‌ای از این حربه استفاده کرده‌اند. یکی از جنبه‌های مهم تفکر ابن‌عبدالوهاب تکفیر است (Crooke, 2014b). وقتی تکفیر به سلاحی رایج در میان گروه‌های تکفیری - وهابی تبدیل می‌شود، کسی یا گروهی را مستثنی نمی‌کنند. داعش در عراق تمام گروه‌های فعال در عرصه میدانی عراق را از ارتش اسلامی عراق و جماعت انصارالسنه - هیئت شرعی - گرفته تا جبهه اسلامی مقاومت

عراق (جامع) و جنبش مقاومت اسلامی (حماس)، تکفیر و آنها را مزدور و مرتد می‌داند؛ در سوریه نیز برخی از گروه‌های تروریستی هم‌کیش خود مانند جبهه اسلامی را مرتد می‌داند. همان‌طور که پیشتر ذکر شد، بعد از القاعده در گروه‌هایی نظیر داعش جابه‌جایی استراتژیکی رخ داد. آنها به این نتیجه رسیدند که مسئله‌شان پیش از آمریکا و دولت‌های غیرمسلمان غربی مسئله دولت‌های ظاهراً مسلمان اما در واقع کافر است. در همین مقطع نوسلفی‌ها اسلام و کفر را بازتعریف کردند. آنها معنایی مضیق از اسلام ارائه کردند و در مقابل مفهومی بسیار موسّع از کفر. در نظر آنها اسلام و سلف آنها کسانی‌اند که مثل آنها فکر می‌کنند و «دیگری» تمام کسانی‌اند که برخلاف آنها می‌اندیشند، هرچند به ظاهر مسلمان باشند. یکی از شعارهای آنها این است: «من لم یکفر الکافر فهو کافر»: هر کس کافری را کافر نداند، خود کافر است. آنها خطر مسلمان‌های غیر از خود و در رأس آنها حکومت‌های کشورهای اسلامی را فوری‌تر می‌دانند. در نتیجه در نظر آنها سرنگونی این حکومت‌ها مقدم بر مبارزه و جنگ با غرب و آمریکا است. اگر حسن‌البنی‌امی کوشید از پایین و با کتاب‌نوشتن و منبررفتن اسلام را تبلیغ کند، نوسلفی‌ها علاوه بر شعار عمومی همه سلفی‌ها «الاسلام هو الحل» (تنها راه حل اسلام و اجرای شریعت است) به این نتیجه رسیدند که باید جهان سراسر کفر و ضلالت و جامعه جاهلی را با جهاد و به روش قهرآمیز نجات دهند. محمد عبدالسلام فرج، رهبر جهاد اسلامی مصر که خالد اسلامبولی از اعضای آن و انور سادات را ترور کرد، در رساله خود می‌نویسد: «جهاد فریضه و واجب غایب جامعه اسلامی، است». به نظر وی «جهاد در راه خدا فریضه‌ای است که علمای عصر فراموش کرده‌اند. با این همه این اشخاص بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که جهاد تنها راه بازگشت به گذشته باشکوه اسلام و احیای دوباره آن می‌باشد. درحالی‌که خداوند بهترین راه را به بندگان خود نشان داده است، مسلمانان هر یک راه خود را می‌روند و فلسفه مخصوص به خود در انتخاب بهترین راه را دارند. هیچ شکی وجود ندارد که تنها راه از-بین‌بردن بت‌های این جهان استفاده از شمشیر می‌باشد» (Faraj, 1986, p 60-61). جهاد از نظر آنها «واجب عینی» است. در گذشته سلفی‌ها و در کل فقه سنی و شیعه جهاد را یک واجب کفایی می‌دانستند. تشیع «جهاد ابتدایی» در عصر غیبت امام را حرام می‌دانست و می‌داند؛ به این معنا که حمله به کشورهای دیگر به قصد کشورگشایی و جهاد، در فقه شیعه بیشتر، جنبه دفاع از «دارالاسلام» و سرزمین‌های اسلامی را دارد. اما

فکر

پژوهشی ایدئولوژی گروه تکفیری - وهابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)



در میان نوسلفی‌ها جهاد به جهاد ابتدایی و تهاجمی تغییر می‌کند و به «واجب عینی» تبدیل می‌شود (آفاجری، ۱۳۹۳).

۲-۳. ساختار داعش

۲-۳-۱. ساختار دولتی و رهبری

داعش به دنبال فرم سازماندهی متمرکز دولتی در جغرافیایی خاص است؛ تلاشی که هم نشان از بازیابی هویت تاریخی دارد و هم بازگشت به ایدئولوژی وهابیت تجدیدحیات یافته. داعش با توحشی مرگبار در پی تصرف اراضی و خلق قلمرو، تغییر نقشه جغرافیایی و استقرار یک نظام مبتنی بر قانون در محدوده مرزها و در نهایت تشکیل دولت، به عنوان یک نهاد مدرن است؛ نهادی که باید از خلق یک ملت سخن بگوید. پس اگر تکاپوی وحشیانه داعش در نهایت به تولید نهاد دولت منجر شود، این نهاد باید مبتنی بر زبان مشترک، ایدئولوژی مشترک و منافع جمعی باشد. ایجاد دولت نشان از تفاوت اساسی داعش با سایر گروه‌های نوسلفی دارد. از نظر ایدئولوژیکی تفاوت ناچیزی میان دولت اسلامی عراق و شام و دیگر گروه‌های تکفیری-وهابی وجود دارد. اما از منظر جغرافیایی، آرایش و حضور دولت اسلامی کاملاً متفاوت است؛ درحالی که القاعده بیشتر شکل یک جنبش داشت تا سازمانی به دنبال مکان. دولت اسلامی، همان طور که اسمش هم نشان می‌دهد، متفاوت است. این سازمان خود را هسته‌ای از یک دولت اسلامی فراملی می‌بیند که باید رشد کند؛ دولتی که موجودیتی جغرافیایی در سوریه و عراق استقرار پیدا کرده است (G Friedman, 2014).

داعش فقط یک ایدئولوژی نیست؛ دولتی است با تمامی سازوبرگ‌هایش؛ نهاد رهبری، مرکز تصمیم‌گیری سیاسی، نهاد اقتصادی، شاخه نظامی، شورای فقهی-حقوقی، مرکز امنیتی، شورای اجرایی، مرکز عضوگیری و مهم‌تر از همه شورای رسانه‌ای. چیزی که این گروه را از سایر گروه‌های تکفیری - وهابی و نوسلفی متمایز می‌سازد، همین ساختار متمرکز آن است. بر اساس گزارش روزنامه نیویورک تایمز، بسیاری از رهبران این گروه از اعضای ارتش بعثی در زمان صدام حسین‌اند که وظیفه آموزش نظامی افراد جدید را نیز بر عهده دارند. به گفته شیرین هانتر (استاد دانشگاه جرج تاون آمریکا) «عربستان بعد از صدام به خیلی از این نیروها پناه داده بود و مدت طولانی در این کشور زندگی می‌کردند» (هاتر، ۱۳۹۳). ساختار دولت اسلامی عراق و شام بدین ترتیب است که ابوبکر البغدادی،

مشاوران کابینه و دو معاون وی، شاخه اجرایی داعش را که به الأماره معروف است شکل می‌دهند. دو معاون ابوبکر، ابوعلی العنبری و ابومسلم الترمکمانی که دو نفر از افسران کارکنسته عراق در رژیم صدام حسین بودند، به ترتیب زمامداری سوریه و عراق را برعهده دارند. دو معاون بغدادی دستورها را به حکامی ابلاغ می‌کنند که زمام خرده‌دولت‌های متعدد تحت کنترل داعش در سوریه را به دست دارند. سپس این حکام به هیئت‌های محلی می‌گویند که به چه ترتیب اوامر شاخه اجرایی را در امور مختلف از قبیل مناسبات رسانه‌ای و عضوگیری تا مسائل مربوط به نظم عمومی و مسائل مالی را اعمال نمایند. شورا - که مسائل را مستقیماً به شاخه اجرایی گزارش می‌دهد - در واقع ارگان نظارت دینی خلافت است و گماشته شده تا تضمین کند تمام هیئت‌های محلی و حکام به تقریر داعش به قوانین اسلام پایبندند. از وظایف دیگر این شورا رسیدگی به اختلافات مذهبی و صدور دستور اعدام است. بغدادی که خود زمانی زندانی نیروهای ایالات متحده در عراق بود،^۱ ظاهراً استراتژی ضد شورش خود ارتش آمریکا را اجرا می‌کند که ابتدا یک قلمرو را از مخالفان پاک می‌کند و پس از آنکه کنترل آن منطقه را به دست گرفت، از افراد محلی برای اداره آن مدد می‌گیرد. در واقع رهبران محلی در رتبه آخر سلسله مراتب قدرتی این گروه قرار دارند که بیشتر از اعضای سابق حزب بعث عراق می‌باشند و در سراسر عراق و سوریه پراکنده‌اند و وظیفه‌شان گزارش مسائل مربوط به منطقه خود به رده‌های بالاتر می‌باشد (NYT, 16 Sep, 2014).

۲-۳. ابزار تبلیغاتی

یکی از مهم‌ترین ارکان ساختار گروه داعش، شورای رسانه‌ای آن می‌باشد. رهبران این گروه معتقدند میدان نبرد رسانه‌ای به اندازه میدان جنگ در موفقیت‌شان اهمیت دارد. این گروه با استفاده از رسانه‌های اجتماعی از یک سو جوانان مسلمان غربی و از سوی دیگر مسلمانان متعصب محلی را به سمت خود جذب می‌نماید. ریاست این بخش را «ابوالاثیر عمرو العبسی» بر عهده دارد و اعضای تحت فرماندهی وی وظیفه اطلاع‌رسانی الکترونیکی و اداره پایگاه‌های اینترنتی موسوم به «جهادی» را به عهده دارند. شبکه

۱. وی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ به همراه ۹ نفر از رهبران ارشد کنونی داعش توسط نیروهای آمریکایی در

زندان بوکا زندانی بوده است (ایسنا، ۱۹ آبان ۱۳۹۳).



تلویزیونی این گروه با نام «الحيات» برنامه‌های متنوعی از سربریدن انسان‌ها تا ترغیب جوانان جهت پیوستن به این گروه با انحای مختلف می‌سازد و پخش می‌کند که تکنیک‌های به‌کاررفته در آنها شبیه فیلم‌های هالیوودی می‌باشد (Cottee, 2015). در برنامه‌های ساخته‌شده این گروه، برای تحت تأثیر قراردادن مخاطبان از انگلیسی محاوره‌ای، تصاویر بی‌عیب و نقص و تمیز و صدای رسا و شفاف استفاده می‌شود که نشان می‌دهد سازندگان این برنامه‌ها افراد عادی نیستند و به کار خود تسلط دارند. مکان خاصی نیز برای فعالیت‌های رسانه‌ای مشخص نشده است و احتمال داده می‌شود که بسیاری از طرفداران این گروه تکفیری - وهابی در اروپا و امریکا در ساختن این برنامه‌ها به این گروه کمک می‌کنند (Dokoupil, 2014).

۲-۳. نیروی نظامی

شمار دقیق جنگجویان داعش در عراق و سوریه مشخص نیست. دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن برآورد می‌کند که پنجاه هزار تن برای این گروه تروریستی در سوریه می‌جنگند. گفته می‌شود پانزده هزار نیرو هم در عراق دست به سلاح برده‌اند. به دلیل تبلیغات رسانه‌ای گسترده این گروه و بنا بر برآوردهای وزارت خارجه آمریکا، دوازده هزار نفر از جنگجویان داعش از خارج این دو کشور - بیشتر از کشورهای عربی، اروپا و به‌طور فزاینده‌ای از آسیا - به جمع تروریست‌ها پیوسته‌اند. به گفته گزارشگر دویچه وله در جنوب آسیا، داعش به‌ویژه در مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان با پخش کردن تراکت و بروشورهای تبلیغاتی تلاش می‌کند یارگیری کند. در این تراکت‌ها چنین آمده است که «خلافتی اسلامی در منطقه تشکیل می‌شود و بخش‌هایی از ایران، افغانستان و پاکستان را هم در بر می‌گیرد». نفوذ داعش در کشمیر هند نیز در حال گسترش گزارش داده شده است. از اواخر ژوئن ۲۰۱۴ در این منطقه دائم تراکت‌ها و برگه‌های تبلیغاتی برای دولت اسلامی پیدا می‌شود. در سرینگر، پایتخت بخش هندی کشمیر، گرافیت‌هایی با شعارهای داعش بر روی دیوارها نقش می‌بندند. اواسط ژوئیه هم نخستین ویدیو تبلیغاتی این گروه تروریستی به زبان‌های هندی و تامیلی، خطاب به مسلمانان هند، منتشر شد. این فعالیت‌ها تا حدودی هم موفقیت‌آمیز بوده‌اند. بنا بر آمار رسمی حدود سیصد هندی در عراق و سوریه به صف تروریست‌ها پیوسته‌اند. بنا بر آمار حدود پنجاه تا شصت اسلام‌گرا از اندونزی به تروریست‌های داعش پیوسته‌اند. تعداد این افراد مرتب افزایش می‌یابد. با آنکه اعداد و ارقام یادشده در مقایسه با جمعیت ۲۴۰ میلیونی این کشور

مسلمان نشین چندان چشمگیر به نظر نمی‌رسد، نهادهای امنیتی دست به کار شده‌اند. در اوت ۲۰۱۴ ابوبکر بشیر، رهبر ۷۵ ساله گروه جهاد اسلامی در اندونزی، به همراه چهارده زندانی دیگر در زندان همراهی خود با داعش را اعلام کرد. علاوه بر این بنا بر اعلام منابع سوری، تا کنون دست کم پانزده شهروند مالزیایی در جنگ در عراق و سوریه کشته شده‌اند؛ ۲۰ تا ۲۵ شهروند دیگر هم در حال حاضر برای دولت اسلامی می‌جنگند. در ضمن، پلیس مالزی تا کنون بیست جوان مسلمان این کشور را که قصد سفر به مناطق بحران‌زده داشته‌اند، را برای اطمینان بازداشت کرده است (Sengupta, 2014). با این حال گزارش‌های متعدد حکایت از آن دارد که بیشتر اعضای این گروه را بعثی‌های عراقی و سپس شهروندان عربستان سعودی تشکیل می‌دهند (Hubbard & Schmitt, 2014).

۲-۳-۴. منابع مالی

داعش ثروتمندترین گروه تروریستی جهان است و طی دو سال گذشته صدها میلیون دلار جمع‌آوری کرده است. این گروه تروریستی همانند مافیا عمل می‌کند و از کوچک‌ترین فرصتی در این زمینه نهایت استفاده را می‌برد. در همین راستا از هر وسیله‌ای برای کسب پول استفاده کرده‌اند؛ از راکت‌های حفاظتی تا دزدیدن خودروی کمک‌های مردمی. در حال حاضر نیز به فروش منابعی روی آورده‌اند که تصرف کرده‌اند؛ از میدان‌ها و پالایشگاه‌های نفتی تا گرفتن باج در قبال قربانیان گروگان گرفته‌شده. دستیابی به برخی از چاه‌های نفتی عراق و سوریه باعث شده است گروه داعش به یکی از ثروتمندترین گروه‌های تروریستی جهان تبدیل شود. به گفته برخی از منابع درآمد روزانه این گروه از فروش نفت یک الی دو میلیون دلار می‌باشد. رئیس انجمن امور خاورمیانه فرانسه درباره منابع حمایت مالی از داعش تصریح کرده است که منبع اصلی تأمین درآمد داعش نفت است و این گروهک در سطح راهبردی از طریق سیطره بر مناطق غنی از نفت در سوریه و عراق پول مردمانش را به جیب می‌زند. به گفته وی داعش در سوریه شش چاه نفت و در عراق هفت چاه نفت را در تصرف خود دارد و این علاوه بر پالایشگاه‌هایی است که تحت تصرف دارد و این گروهک به‌طور مخفیانه اقدام به فروش نفت می‌کند. به‌طوراساسی روزانه بین ۲۵ تا ۶۰ هزار بشکه نفت می‌فروشد که معادل درآمد روزانه ۱۲۰۰۰۰۰ هزار دلار است. بنا بر ادعای وی داعش نفت را به‌طور قاچاق از سوریه و عراق به ترکیه می‌برد و از آنجا به دیگر کشورها می‌فروشد (NYT, 16 Sep, 2014).

نتیجه گیری

تفکرات توأم با خشونت، جزمیت و قشری‌گری دینی را در صدر اسلام و در میان خوارج می‌توان دید. بعد از آنها و در دوره حمله مغول‌ها به سرزمین‌های اسلامی، ابن‌تیمیه از علمای بزرگ حنبلی در قرن هفتم و هشتم قمری تفکراتی در همان راستا ارائه کرد که آبخور فکری محمدبن عبدالوهاب در قرن هجدهم میلادی شد. آل سعود با استفاده از خشونت موجود در فرقه وهابیت و ایجاد وحشت در قبایل شبه جزیره عربستان، موفق به ایجاد سلطنت سعودی شد. اما بعد از کشف نفت در عربستان و تثبیت حکومت آل سعود و در میانه‌های دهه ۱۹۳۰ میلادی، وهابیت از یک جنبش تهاجمی و تفکر تکفیری به جنبشی با خصلت محافظه‌کاری در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، عقیدتی و دعوت مذهبی تبدیل شد و تلاش خود را صرف توجیه وفاداری به آل سعود و حفظ قدرت مطلقه پادشاه کرد. این ایدئولوژی محافظه‌کارانه از اواخر دهه ۱۹۷۰ به دلایل متعدد و به نام اسلام در جهان اسلام و البته غرب گسترش یافت. بررسی اقدامات، اعلامیه‌ها و سخنرانی رهبران گروه تکفیری - وهابی موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) نشان می‌دهد که این گروه از سویی وهابی است و از سوی دیگر به شدت افراطی است؛ به عبارت دیگر داعش در پی بازگرداندن وهابیت محافظه‌کار سعودی به همان مسیر خشن و افراطی قدیمی است؛ ایدئولوژی آنها وهابیت تجدیدحیات‌یافته می‌باشد. تلاش برای احیای خلافت خودخوانده، تکفیر سایر مسلمانان و غیرمسلمانان و اقدام عملی برای مقابله و از-میان برداشتن آنان، بر اساس تفسیری دلبخواهانه از جهاد، ایدئولوژی این گروه تکفیری- وهابی را تشکیل می‌دهد. انجام اعمالی از قبیل تخریب قبور و زیارتگاه‌ها، حذف مخالفان بر اساس تفکرات تکفیری و حمله به غیرنظامیان بر اساس تفسیری غیرواقع از جهاد از جمله ویژگی‌های اولیه مذهب وهابیت می‌باشد که توسط داعش دوباره تجدید حیات یافته‌اند. برخلاف سایر گروه‌های تکفیری- وهابی، داعش به دنبال تشکیل دولتی در یک سرزمین معین می‌باشد که ساختار خاص خود را دارد و از تبلیغات رسانه‌ای در فضای مجازی حداکثر استفاده را می‌برد.



کتابنامه

- ابن تیمیه، *العقیده الحمویہ الکبری*، بیروت در: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم بجنوردی، ج ۳، مقاله ابن تیمیه.
- آقاجری، هاشم، «ایدئولوژی داعش؛ نوسلفی است»، *روزنامه شرق*، یکشنبه ۱۸ آبان، ۱۳۹۳، ش ۲۱۵۷.
- الامین، سیدمحسن، *تاریخچه و نقد و بررسی عقائد و اعمال وهابی ها*، ترجمه و نگارش سید ابراهیم علوی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۶.
- الریسونی، احمد، «خلافت به شیوه نبوت و خلافت به شیوه داعش»، *کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام*، قم: ۲ الی ۳ آذر، ۱۳۹۳، در: <http://makhateraltakfir.com/fa/olamaye%20jahan%20eslam/View/2018>
- ایسنا، «جایی که رهبر داعش در آن زندانی بود»، *خبرگزاری ایسنا*، ۱۹ آبان، ۱۳۹۳، در: <http://www.isna.ir/fa/news/92081908871/>
- بخشی شیخ احمد، مهدی، «ماهیت و تهدیدات نووهابیسم»، *فصلنامه راهبردها*، ش ۳۷، پائیز، ۱۳۸۴.
- _____ «سید قطب و اسلام گرایی معاصر»، *فصلنامه علوم سیاسی*، س ۹، ش ۳۲، بهار ۱۳۸۵، «الف».
- _____ «جهاد؛ ابن تیمیه تا بن لادن»، *فصلنامه علوم سیاسی*، س ۹، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۵، «ب».
- _____ «بررسی تأثیر مدرنیسم در به وجود آمدن بنیادگرایی اسلامی (مطالعه موردی نووهابیسم)»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، س ۲، ش ۵ و ۶ بهار و تابستان ۱۳۹۲.
- دکمچیان، هرایر، *جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، چ ۳، تهران: کیهان، ۱۳۷۷.
- فقیهی، علی اصغر، و هابیان: *بررسی و تحقیق گونه ای درباره عقاید و تاریخ فرقه وهابی*، چ ۴، تهران: صبا، ۱۳۶۶.
- فرارو، «ای بی سی نیوز: افراط گرایان داعش واقعا چه می خواهند»، *سایت خبری تحلیلی فرارو*، ۱۲ شهریور ۱۳۹۳، در: <http://fararu.com/fa/news/205200/>
- توماس فریدمن، «غول داعش»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ترجمه شادی آذری، ش ۳۳۰۶، ۳

مهر ۱۳۹۳.

- متین، کامران، «ازدواج سیاسی افراط‌گرایان و نخبگان حکومتی بعثی»، روزنامه شرق، ش ۲۱۵۷، یکشنبه ۱۸ آبان ۱۳۹۳.
- معدلی، عباس ناصر، خوارج، شیراز: صحافی لوکس، ۱۳۵۴.
- شیرین هانتر، «داعش یک گروه تروریستی نیست»، سایت خبری تحلیلی فرارو، ۳۰ شهریور ۱۳۹۳، در:

<http://fararu.com/fa/news/207415>

- Zelin, Aaron Y, "The War between ISIS and al-Qaeda for Supremacy of the Global Jihadist Movement", *The Washington Institute for Near East Policy*, Number 20, June, 2014
- Al-Baghdadi, Shaykh Abu Bakr al-Hussayni al-Qurayshi, "Announcement of the Islamic State of Iraq and al-Sham," *al-Furqan Media*, April 9, available at: <http://washin.st/1yS3JB1>
- Algar, Hamid, 2002 *Wahhabism: A critical Essay*, New York: Islamic Publications International
- Al-Qaeda's General Command , "On the Relationship of Qaidat al-Jihad and the Islamic State of Iraq and al-Sham," *al-Fajr Media*, February 2, available at: <http://washin.st/1IQPHcZ>.
- *BBC News*, "Isis rebels declare 'Islamic state' in Iraq and Syria," 30 June 2014, available at: <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-28082962>
- Bin laden, Osama, "Declaration of war Against American Occupying the Land of the Two Holy Places", 1996, available at: <http://www.Azzam.com/html/articlesdeclaration.htm>
- Burke, Jason, *Al-Qaeda: Casting a Shadow of Terror*, London and New York: I. B. Tauris and Co Ltd, 2003.
- Cottee, Simon, "Why It's So Hard to Stop ISIS Propaganda", *The Atlantic*, 3 Feb.2015, available at: <http://www.theatlantic.com/international/print/2015/03/why-its-so-hard-to-stop-isis-propaganda/386216/>
- Crooke, Alastair, "You Can't Understand ISIS If You Don't Know the History of Wahhabism in Saudi Arabia", *The*



Huffington Post, 27/8, 2014a, available at:

http://www.huffingtonpost.com/alastair-crooke/isis-wahhabism-saudi-arabia_b_5717157.html

- , "Middle East Time Bomb: The Real Aim of ISIS Is to Replace the Saud Family as the New Emirs of Arabia", *The Huffington Post*, 9/2, 2014, available at: http://www.huffingtonpost.com/alastair-crooke/isis-aim-saudi-arabia_b_5748744.html
- Dokoupil, Tony0 , "War of Words: Is Obama Losing the ISIS Propaganda Battle?", NBC News, 29/9, 2014, available at: <http://www.nbcnews.com/storyline/isis-terror/war-words-obama-losing-isis-propaganda-battle-n211711>
- Faraj, Abd al-Salam, "Al-Faridah al-Ghaibah", in Johannes J.G. Jansen, *The Neglected Duty: The Creed of Sadat's Assassins and Islamic Resurgence in the Middle East*, New York: McMillan Publishing Company, PP. 1986.
- Fattah, Hala, "Wahhabi Influences, Salafi Responses", *Journal of Islamic Studies* 14:2,2003.
- Friedman, George, "The Islamic State Reshapes the Middle East", *Geopolitical Weekly*, November 25,2014, available at: <http://www.stratfor.com/weekly/islamic-state-reshapes-middle-east#axzz3KSEwuY5W>
- Friedman, Thomas L, "Freud and the Middle East", *The New York Times*, Nov. 11,2014, Available at: <http://nyti.ms/1Erc1jo>
- Hubbard, Ben & Schmitt, Eric, "Military Skill and Terrorist Technique Fuel Success of ISIS", *The New York Times*, Aug. 27, available at: <http://nyti.ms/1pjr2o>
- Jansen, Johannes J. , *The Dual Nature Of Islamic Fundamentalism*, Ithaca, NY: Cornell University Press, 1997.
- Kepel, Gilles, *Jihad: The Trail of Political Islam*, Trans. by Anthony Roberts, Massachusetts: Harvard University Press, 2002.
- Lister, Tim , "Al Qaeda battles ISIS for global jihadist leadership", *CNN*, September 10, 2014, available at:

<http://edition.cnn.com/2014/09/10/world/meast/isis-vs-al-qaeda/>

- **New York Times**, "How ISIS Works", Sept. 16, 2014, available at:
<http://www.nytimes.com/interactive/2014/09/16/world/middle-east/how-isis-works.html>
- Olivetti, Vincenzo, *Terror's Source*, Birmingham: Amadeus books, 2002.
- Roy, Oliver , *The Failure of Political Islam*, Trans. By Carol Volk, London: I.B. Tauris, 1994.
- Safran, Navav, *Saudi Arabia*, Cambridge: Harvard University Press, 1985.
- Schwarts, Stephan, *The Two Faces of Islam: The House of Saud from Tradition to Terror*, New York: Doubleday, 2002.
- Sengupta, Somini, "Nations Trying to Stop Their Citizens From Going to Middle East to Fight for ISIS", *The New York Times*, Sep. 12, 2014, available at: <http://nyti.ms/1rUATtm>
- Withnall, Adam , "Iraq crisis: Isis changes name and declares its territories a new Islamic state with 'restoration of caliphate' in Middle East", *The Independent* , 29 June 2014.

